روزنامه شرق

شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۲۸ رمضان ۱۴۴۳ • ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۶۹ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

بررسی خشونت‌های کلامی و فیزیکی معلم‌ها در مدارس

کودکان؛ قربانی‌های اول سیستم آموزشی کشور

اوایل مجازی‌شدن مدارس، کلیپ‌های متفاوتی از خشونت کلامی معلم‌ها در کلاس درس آنلاین منتشر می‌شد؛ صحنه‌هایی که برای بسیاری به محتوای طنز تبدیل شده بود و هرازگاهی حتی آن را در صفحه شخصی خود به اشتراک می‌گذاشتند

صفحه ۶

مقام معظم رهبری:

همه طرح‌های سازش با صهیونیست‌ها باطل شده‌اند

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس، با برشمردن نشانه‌های بسیار امیدبخش از پیش‌روبودن آینده‌ای متفاوت به نفع مردم فلسطین، از جمله گسترش میدان مقاومت به کل فلسطین و در مقابل، ضعیف‌شدن رژیم اشغالگر...

صفحه ۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: ولادیمیر پوتین در صورت شکست در اوکراین به سلاح هسته‌ای متوسل می‌شود؟ افطاری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران و یادداشت‌هایی از جلال میرزایی، سیدجمال هادیان طبایی‌زواره

سرمقاله

خشونت سکوت

احمد غلامی

جامعه‌ای که عدالت را به معنای واقعی آن تجربه نمی‌کند، مستعد گرایش به جامعه‌ای «دگرسان» است. پیش از آنکه بخواهم بحث را ادامه بدهم، ناگزیر باید «دگرسان» را در برابر «همسان» قرار داده تا معنای آن تا حدی آشکار شود. به تعبیر ژرژ باتای «تولید شالوده همسانی اجتماعی است. جامعه همسان جامعه تولیدی است؛ یعنی همان جامعه سودمند. هر عنصر به‌دردنخور نه از کل جامعه که از بخش همسان آن بیرون رانده می‌شود. در این بخش هر عنصری باید در قبال عنصر دیگر سودمند باشد... بر اساس قضاوت جامعه همسان، هر انسانی به اندازه آنچه تولید می‌کند، ارزش دارد...». بدیهی است این ارزش‌گذاری با پول صورت می‌گیرد. درواقع آدم‌های جامعه همسان، هستی منحصربه‌فردی ندارند و صرفا تابعی از تولید جمعی سازمان‌یافته در محدوده‌ای قابل ارزش‌گذاری هستند. ارزش آدم‌ها را تولید و پول حاصل از آن تعیین می‌کند. این رویکرد، آدم‌ها را به یک هستی برای چیزی غیر از خود، یعنی یک هستی برای دیگری تبدیل می‌کند. همسان‌ها به انقیاد روابط تولید درمی‌آیند. بازمی‌گردیم به نکته اصلی بحث که باتای می‌گوید هر عنصر به‌دردنخور که به کار چرخه تولید در جامعه سرمایه‌داری نیاید، از بخش همسان جامعه طرد می‌شود. از این منظر، دگرسان‌ها همان مطرودان جامعه و ناهمسان‌ها هستند. جوامع سرمایه‌داری، شبه‌سرمایه‌داری و رانتی همواره در مواجهه دو جریان همسان‌ها و ناهمسان‌ها قرار دارند. عده‌ای که به انقیاد روابط تولید و سرمایه درآمدند و عده‌ای دیگر از جامعه همسان به دلیل منابع محدود و فرصت‌های اندک کنار گذاشته شده‌اند و این طردشدگی، از دگرسان‌ها چهره‌هایی مخالف وضع موجود می‌سازد. دگرسانان با برانگیختن احساسات جامعه، خود را چیز دیگری نشان داده و این چیز دیگر بودن، در جامعه‌ای که دچار انسداد سیاسی است، فریبنده است. دگرسانان قوانین جامعه همسانان را زیر پا گذاشته و با گریز از عرف و قانون، این باور را در میان مردم تقویت می‌کنند که حامل ایده‌ای متفاوت و چه‌بسا سازنده‌اند. مسئله اینجاست که تثبیت همسان‌ها، جامعه را به سوی انقیاد می‌برد و تکثیر دگرسان‌ها، جامعه را به سمت خشونت سوق خواهد داد. اینک بازگردیم به سطرهای نخست این یادداشت، جامعه‌ای که عدالت را به معنای واقعی آن تجربه نمی‌کند، مستعد گرایش به جامعه دگرسان است. دگرسانان جامعه را رادیکالیزه کرده و به سمت خشونت خواهند برد. پادزهر جامعه منقاد همسان‌ها و دگرسان‌های خشونت‌طلب، بیش از هر چیز عدالت است و نه حتی آزادی. عدالت، هر کس و هر چیز را سر جای خود می‌نشاند و مانع ایجاد احساس نابرابری می‌شود. احساس نابرابری، محرک خشونت است و عامل مواجهه رادیکال با هر آنچه مظهر نابرابری است. جامعه‌ای که نتواند به برابری دست یابد، برای خلاصی و التیام حقارت خویش، پیشگام خشونت می‌شود و هستی‌اش را و بودن در هستی‌اش را در ابراز خشونت جست‌وجو می‌کند. می‌اندیشم پس هستم، اینک خشونت می‌ورزم پس هستم. دگرسانان در تفاهم‌نامه‌ای نانوشته موانع سر راهشان را با خروج از قانون یا تفسیر دوباره قانون، از سر راه بر خواهند داشت. اگرچه دولت‌ها همواره بر شانه همسان‌ها شکل می‌گیرند، ناگفته پیداست که در بسیاری موارد برخی چهره‌های سیاسی دگرسان توانسته‌اند با ایجاد وحدت در میان دگرسان‌ها به موقعیت‌هایی برسند. اما نگرانی اصلی و اساسی تنها به قدرت رسیدن چهره‌های سیاسی دگرسان نیست، بلکه در این است که دگرسانان در جامعه تکثیر شوند و شبکه‌ای از دگرسانان که بر اثر بی‌عدالتی و نابرابری از جامعه همسان‌ها طرد شدند، برابری را در برابری اِعمال خشونت پیدا کنند و اینک که دست آنان از عدالت کوتاه است، به خشونت روی آورده و آن را عرفی کنند. عرفی‌سازی خشونت، شرکای دگرسانان را بسیار خواهد کرد. از همین‌جاست که محتوا و شکل خشونت‌ورزی جلوه‌ای تازه و موجه پیدا می‌کند و همه در یک اصل با هم برابر خواهند شد: برابری در خشونت‌ورزی. ما همه با هم برابریم؛ چراکه محذوفان یا مطرودان جامعه همسان‌ها هستیم و به یک میزان قادریم خود را در وضعیت‌های خشونت‌بار قرار دهیم. آنچه این برابری را از یکدیگر متفاوت می‌کند، کیفیت اِعمال سلطه بر دیگری است. در این وضعیت به‌ندرت کسی در انقیاد دیگری است مگر به دلایل منفعت‌طلبانه. آنچه بیش از همه فریبنده است، سکوت دگرسانان ناتوان است؛ سکوتی که به تعبیر مانس اشپربر، بالاترین خشونت‌هاست.

دولت به دلیل کاهش ذخایر آبی، کشاورزی را برای برخی کشاورزان خوزستانی ممنوع کرد

کویر در کرخه

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

حمایت یکپارچه ایران از مردم فلسطین

حاشیه‌نگاری از راهپیمایی سراسری روز قدس

عکس: هادی هیربدوش، فارس

روز ۱۶ مرداد ۵۸، مطابق با ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ قمری، آغاز راهی بود که اجازه تحریف تاریخ را به رژیم جعلی صهیونیستی نداد؛ روزی که امام خمینی(ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به نام «قدس» قبله نخستین مسلمانان نام‌گذاری کرد تا گرامیداشت آن از سوی مردم ایران و آزادی‌خواهان جهان، اجازه فراموشی ستم‌های غاصبان صهیونیست بر مردم فلسطین را ندهد.

۴۳ سال پس از این نام‌گذاری، مردم ایران نهم اردیبهشت، یک‌صدا و فارغ از جناح‌بندی‌ها، گروه‌گرایی‌ها و قومیت‌ها، مظلومیت قدس و غزه را فریاد زدند و در ۹۰۰ نقطه ایران در ۹۰ شهر شاهد برگزاری این راهپیمایی بودیم. دیروز کوچه و خیابان‌های ایران، صحنه دیدنی‌های بسیار در حمایت از مردم مظلوم و مقتدر فلسطین شد؛ از نوجوانانی که «نام‌گذار» روز قدس را ندیدند اما پای آرمان بلندی که دلیل این نام‌گذاری بود ایستاده‌اند، تا زنان و مردانی که قدس را فراتر از هر مفهوم سیاسی دانسته و در حمایت از آن به صحنه آمدند. راهپیمایی عظیم و حماسی مردم روزه‌دار و استکبارستیز ایران اسلامی در حمایت از مردم مظلوم و مقتدر فلسطین، در تهران و دیگر شهرستان‌ها از ساعت ۱۰ صبح دیروز آغاز شد؛ هرچند بسیاری از مردم از ساعات اولیه صبح برای حضور در راهپیمایی در مبادی مسیرهای اعلام‌شده گردهم آمده بودند. راهپیمایی دیروز همراه شده بود با نمایش تجهیزات و تسلیحات دفاعی ایران ازجمله موشک «خیبرشکن»؛ جدیدترین موشک بالستیک ایران با بُرد ۱۴۵۰ کیلومتر که دوربُردترین موشک بالستیک تاکتیکی جهان به شمار می‌آید و موشک «عماد» که آخرین موشک ساخت سازمان هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. موشک «قدر» نیز از دیگر تسلیحات دفاعی ایران اسلامی است که هم‌زمان با روز قدس در میدان‌های تهران به نمایش درآمد. همچنین در حاشیه راهپیمایی، موشک قاسم جهاد اسلامی، موشک عیاش ۲۵۰ جنبش حماس، موشک فاتح ۱۱۰ حزب‌الله لبنان، موشک تشرین ارتش سوریه، موشک بالستیک جمال ۶۹ نجبای عراق، موشک قدس ۲ انصارالله یمن و موشک سجیل سپاه پاسداران در نمایشگاه موشک‌های محور مقاومت در معرض دید عموم قرار گرفت. تصاویر یادگاری و سلفی‌های مردم به‌ویژه جوانان با موشک‌های ایرانی نیز صحنه‌هایی جالب و هیجانی در خیابان‌های تهران رقم زد. حضور دهه‌نودی‌ها در راهپیمایی امسال روز قدس، به‌ویژه در میدان انقلاب، چشم‌نواز بود و نشان از آن داشت که نسل جدید در هر موضوعی تفاوت نظر داشته باشد، حمایت از مظلومیت مردم فلسطین نقطه مشترک همه نسل‌هاست.

جوانان و نوجوانان فلسطینی محور مقاومت هستند

مقامات لشکری و کشوری هم از دقایق اولیه راهپیمایی به صفوف مردمی پیوستند تا هم‌صدا با ملت بزرگ ایران، انزجار خود را از صهیونیست‌ها و حمایت‌شان را از فلسطین و آزادی قدس شریف اعلام کنند.

این گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

شهر امید

روایت چهاردهمین نماز جمعه شهر امید

روز خلیج فارس و فضای مجازی

سیدشهاب‌الدین طباطبایی

حجت‌الاسلام منصف در خطبه‌های دوم نماز جمعه شهر امید با اشاره به مناسبت روز جهانی قدس و ضرورت دفاع از مظلوم در هر موقعیتی گفت: محکوم‌کردن رفتار غاصبانه و نژادپرستانه رژیم صهیونیستی و افشای دروغی که به اشغال ظالمانه سرزمین فلسطین، کشتار و سرکوب و نقض حقوق و آزادی‌های اساسی فلسطینیان منجر شد، وظیفه همه کسانی است که به آزادی و حقیقت بها می‌دهند. این وظیفه را نمی‌توان و نباید مشروط به هیچ شرط یا نقد و بحث دیگری کرد. درعین‌حال باید یادآوری کرد چنین اشغالگری و ظلم و نقض حقوق بشر از سوی هر دولت دیگری علیه هر قوم و انسان‌هایی معتقد به هر دینی صورت بگیرد، شایسته اعتراض و نقد و تلاش برای توقف است. همچنین باید دقت کرد با بدسلیقگی و بی‌تدبیری، اعتراض و اقدام علیه این اشغالگری به نتیجه عکس منجر نشود. او افزود: لازم است به‌ویژه برای نسل جدید که چندان به حرف‌های تکراری و کلیشه‌ای رضایت نمی‌دهند و به دنبال کشف حقیقت به معنای خالص آن هستند، توضیح کاملی از ماجرای اشغال سرزمین فلسطین داده شود. این را که چگونه این اشغال ۷۳ساله مانند اکثر اتفاقات ظالمانه با ترکیبی از یک داستان دوبخشیِ راست و دروغ آغاز شد، باید تعریف کرد: اینکه «مردمانی بی‌سرزمین» بودند، راست است و اینکه وقتی قبرس و اوگاندا را مناسب سکونت ندیدند، فلسطین را «سرزمینی بی‌مردم» نامیدند، دروغ است.

امام جمعه شهر امید در ادامه سخنان خود با تأکید بر غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرشرعی بودن سرک‌کشیدن در زندگی خصوصی مردم گفت: حتما سرک‌کشیدن در زندگی خانوادگی یک آدم معمولیِ متقاضیِ یک پستِ ساده مذموم است و این را باید هر روز و هر ساعت و هر دقیقه به مسئولان و دستگاه‌های مربوطه یادآوری کرد. و این با کار رسانه و خبرنگاران که اتفاقا از جانب افکار عمومی وظیفه دارند میزان تطابق گفتار عمومی و رفتارِ واقعی مسئولان را البته با رعایت حد و حدود اخلاقی، شرعی و قانونی بسنجند، متفاوت است.

حجت‌الاسلام منصف در بخش دیگری از سخنان خود با گرامیداشت روز ملی خلیج فارس گفت: لازم است مخصوصا این روزها به اتفاقی که منجر به این نام‌گذاری شد، اشاره کنم. بعد از تحریف نام خلیج فارس از سوی اطلس نشنال‌جغرافی در سال ۱۳۸۳، موج اعتراض فعالان فضای مجازی در وبلاگ‌ها و سایت‌ها به راه افتاد. این اعتراضات مجازی به همراه جمع‌آوری ۱۲۰ هزار امضای اینترنتی از سوی ایرانیان داخل و خارج کشور سبب شد مدیر این مؤسسه آمریکایی ضمن عذرخواهی از مردم ایران، قول جبرانِ این اشتباه را بدهد. قدرت‌نمایی مردم در برابر این تحریف آشکار دولت را هم به تحرک بیشتر واداشت و روز دهم اردیبهشت سالروز اخراج پرتغالی‌ها از خلیج فارس آن هم با یک نظرسنجی و رأی‌گیری آنلاین به‌عنوان روز ملی خلیج فارس تعیین شد. عرض می‌کنم روز ملی خلیج فارس فقط نماد غیرت و پایمردی بر سر آب و خاک ایران نیست؛ بلکه یادآور تلاش و پیگیری همدلانه مردم برای دفاع در برابر تحریف، نقش مثبت و مؤثر فضای مجازی در انتقال این اعتراض همدلانه به دنیا و هم همراهی دولت با اراده مردم است. باید از این فضاها صیانت کرد و قدر این همدلی و همراهی‌ها را بیشتر دانست.

خطیب نماز جمعه شهر امید در پایان با اشاره به برخی اقدامات تأسف‌بار که در تعارض آشکار با نقض حقوق شهروندی است، گفت: در این روزها بیش‌ازپیش استفاده از ظرفیت و سرمایه همه دلسوزان واقعی کشور و معتقدان به اصلاح امور ضروری است. لازم است یادآوری کنیم که هیچ دستگاه و مقام مسئول بدون وفاداری به قانون و الزامات آن نمی‌تواند با ایجاد محدودیت برای هیچ شهروندی، آزادی‌های اساسی را محدود کند. از خداوند بزرگ توفیق‌مان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را خواستارم. خودم و شما را به مدارا، رحم و مروت و انصاف با یکدیگر توصیه می‌کنم.

تغییر رویه تلویزیون سیگار با قیافه شطرنجی

۹

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان سیاسی ایده‌های جداسازی در سطح شهر را بررسی می‌کند

تفکیک جنسیتی تصمیمی سیاسی

۲

مردم از سینما دور شده‌اند؛ گزارش «شرق» درباره دلایل سقوط گیشه در سینما طی ۲ سال گذشته

گره کور گیشه

۱۱

یادداشت روزنامه‌نگاران

در نکوهش دوقطبی‌های اجتماعی

علیرضا میرزاخانی

وقتی قرار بر این شد که مطلب کوچکی به رسم روزنامه‌نگاربودن بنویسم، سوژه‌های زیادی را در ذهنم بالا و پایین کردم، از سیاست تا اقتصاد و از اقتصاد تا فرهنگ، ورزش و هنر و... اما هیچ‌کدام راضی‌ام نکرد. قطعا در همه این محورها حرف برای گفتن بسیار زیاد است. نقاط تاریک و گاه روشنی را می‌توان یافت که درباره هر کدام‌شان می‌شود به تفصیل سخن گفت، نقد کرد و اگر بشود احیانا در بعضی جاها نیز از عملکردها تعریف کرد. متأسفانه نقدکردن ساده‌تر شده چون هم در ما نهادینه است که همواره زبان به چیزی شبیه نقد بگشاییم و هم متأسفانه آن‌قدر دایره عملکردهای ناکارآمد در حوزه‌های اجرائی وسیع شده است که به سختی می‌توان وقتی هم برای تعریف از خوبی‌ها و سفیدی‌ها باز کرد و به آن امید بست. امروز اما دغدغه اصلی من چیز دیگری است. راستش را بخواهید این روزها بیشتر از هر چیز به جدایی آدم‌ها از یکدیگر اندیشه می‌کنم. دوقطبی موجود در جامعه ما شاید دیگر یک امر سیاسی نباشد، نخبه‌های سیاسی از آنجا انتقالش داده‌اند و گریبان شهر و آدم‌هایی را گرفته است که در فضای شهری زندگی می‌کنند. شهروندان مراد من از این واگویه هستند. آیا من اشتباه می‌کنم؟ ما دوقطبی در میان مردم و زندگی شهری و میان شهروندان را تجربه نمی‌کنیم؟ آدم‌ها بیگانگی با یکدیگر را تجربه نمی‌کنند؟ می‌دانم که هنوز مردم یا گروه‌هایی از مردم نقش یک دولت کارکردگرا را ایفا می‌کنند و بار بزرگ رفع بحران در مواقع بحران‌های طبیعی را نیز به دوش می‌کشند. زلزله یا سیلی که می‌آید، دیده می‌شود که شهروندان ایرانی چگونه یک دولت کارکردگرا می‌شوند و نقش قوه مجریه را با توان اندکی که دارند بر عهده می‌گیرند، اما این فقط یک سوی ماجراست. سوی دیگر زندگی شهروندی در ایران یک دوقطبی کژ را نشان می‌دهد که آدم را نسبت به آینده نگران می‌کند. زیربنای این فضای دوگونه قطعا فاصله طبقاتی، نابرابری‌ها و تبعیض‌های انگیزشی در رفاه و خاستگاه رفاه برای زندگی بهتر است. برای همین آگاهان اجتماعی می‌گویند با همین روند، رفع نیاز به زندگی بهتر آن هم با هر قیمتی به روزمرگی و روش حضور در مناسبات شهری تبدیل خواهد شد. این مسئله آدم را می‌ترساند چون در میانگین کار نتیجه مطلوبی هم ظاهرا در سایه این فضای سخت زندگی روزانه به دست نمی‌آید. برای همین هر روز دوگانگی‌ها و دوقطبی‌ها در کف زندگی پررنگ‌تر می‌شوند. این سخنان سیاه‌نمایی نیست بلکه واقعیتی است که باید آنها را در قالب درمان مراودات شهری و زندگی شهروندی مطرح کرد که با تدوین راهبردهای مناسب نسبت به رفع این عارضه اقدامی شود که فردا دودش همه را آزار ندهد. خشمی فروخورده در بطن جامعه به چشم می‌آید که ناشی از همین دوقطبی زندگی و نمای زندگی است. گاهی آدم احساس می‌کند تنفر موج می‌زند و برخی شهروندان در ساده‌ترین حضورهای اجتماعی، در محیط‌های کار و در قلب تناسب‌های اجتماعی برای کمی بهتربودن حاضرند هر اجحافی را در حق یک شهروند دیگر روا دارند.

ادامه در صفحه ۱۱

"اطلاعیه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مازندران"

آگهی فراخوان همکاری (شماره ۲)

قابل توجه شرکت ها/سازمان ها با موضوع : مدیریت اجرایی پسماند های پزشکی ویژه در بیمارستان ها و مراکز بهداشتی درمانی

رجوع به صفحه ۵

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران